

Doi: [10.22034/ACLR.2022.254737](https://doi.org/10.22034/ACLR.2022.254737)

دو فصل‌نامه علمی پژوهشی *نامه فرهنگ و زبان‌های باستانی*
سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صص ۹۵-۱۲۴
مقاله علمی-پژوهشی

نقش رسانه در ایران باستان

حسین محمدی*

سهم‌الدین خزائی**

چکیده

در دنیای امروز رسانه نقش بسیار گسترده‌ای در انتقال پیام و ارتباطات اجتماعی دارد. بررسی‌ها در ایران باستان نشان می‌دهد که انتقال پیام‌ها از طریق انسان، پرندگان، نمادها و نشانه‌ها (آتش، مناره، نقاره، حجاری و...) انجام می‌شده است. در حکومت‌های ایران باستان به علت درگیری مداوم با بیگانگان به‌ویژه درگیری‌های اشکانیان و ساسانیان با رومیان دستگاه جاسوسی و اطلاعاتی نقش مؤثرتری داشته است. ولی در مجموع دستگاه خبرگیری و خبررسانی در اوایل حکومت هخامنشیان نسبت به سلسله‌های اشکانی و ساسانی گسترده‌تر و

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). h.mohammadi@khu.ac.ir

** استادیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان، لرستان، ایران. khazaei.s@lu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵



سامان‌یافته‌تر بوده و پایه‌ای برای سلسله‌های بعدی شده است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که رسانه از چه اهمیتی برخوردار بوده و اصولاً در ایران باستان برای انتقال و دریافت پیام از چه روش یا روش‌هایی استفاده می‌کردند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد خبررسانی و خبرگیری بسیار مهم بوده و از این طریق به اعمال قدرت پادشاه، جلوگیری از شورش‌ها، نظارت بر رفتار ایالت‌های تابعه و مقابله با هجوم دشمنان کمک‌های شایانی می‌شده است، و از روش‌های جاسوسی یا مأموران مخفی شاه، چاپارخانه، پیک‌ها، آتش، نقاره، مناره، پرندگان و نقش‌برجسته‌ها به این مهم دست می‌یافتند. برای انجام کار از منابع موجود در کتابخانه‌ها استفاده شده است و روش‌شناسی پژوهش ماهیت روایتی- نقلی دارد.

کلید واژه‌ها: رسانه؛ ایران باستان؛ هخامنشیان؛ اشکانیان؛ ساسانیان

۱. مقدمه

نگاهی به تاریخ زندگی انسان نشان می‌دهد از زمانی که انسان زندگی غارنشینی و سپس یکجانشینی و شهرنشینی را پشت سر گذاشته است در تمام مراحل و روزه‌روز نیاز به ایجاد ارتباط و کمک دیگران در زندگی‌اش افزون‌تر گشته است. انسان از آغاز کوشش کرده که ابزار و روش‌هایی برای ایجاد ارتباط با دیگران به دست آورد و بدین منظور از همه علوم و فنونی که در هر زمان در اختیار داشته بهره برده است. در دوره ایران باستان که موضوع بررسی است، نام رسانه در میان نیست، اما روش‌هایی که برای خبررسانی و خبرگیری مورد استفاده قرار می‌گرفته است را امروزه ما با نام رسانه از آن‌ها یاد می‌کنیم. «رسانه در لغت به معنی رساندن است و در اصطلاح وسیله‌ای برای نقل و انتقال اطلاعات، ایده‌ها و افکار افراد یا جامعه و واسطه عینی و عملی در فرایند برقراری ارتباط است» (از کمپ، ۱۳۶۹: ۲۲). رسانه وسیله یا روشی است که از طریق آن خواسته‌ها و اطلاعات انتقال یافته یا حمل می‌شوند (باکینگهام، ۱۳۸۹: ۲۹). وقتی می‌خواهیم به‌طور غیرمستقیم

و به جای ارتباط چهره‌به‌چهره یا تماس مستقیم با فرد یا مردم، ارتباط برقرار کنیم از رسانه بهره می‌بریم. انتقال یا دریافت پیام ممکن است به شکل کلامی یا غیرکلامی باشد. آتش روشن کردن که از طریق آن خبری مانند نزدیک شدن دشمن داده می‌شد از نوع انتقال پیام غیرکلامی است و پیک‌ها که اخبار را ردوبدل می‌کردند مصداق پیام کلامی‌اند. در نتیجه دستگاه‌های اطلاعاتی و رسانه‌ای در محدودترین معنا در واژه‌های ذخیره، پردازش و انتقال پیام خلاصه می‌شوند. از سوی دیگر از آنجایی که دستگاه‌های ارتباطی علاوه بر پیام، عبور و مرور انسان و کالاها را نیز کنترل می‌کنند رسانه مفهوم وسیعی از دستگاه‌های جاده‌ای گرفته تا زبان را نیز در برمی‌گیرد. در این پژوهش، جاسوس یا مأموران مخفی شاه، چاپارخانه، پیک‌ها، آتش، نقاره، مناره، پرندگان و نقش‌برجسته‌ها به عنوان رسانه یاد می‌شوند.

با توجه به گستردگی قلمرو، تنوع قومی و قبیله‌ای و وضعیت جغرافیایی در ایران باستان امر خبردهی و خبرگیری با سختی و دشواری خاصی همراه بود. از طرفی حکومت نیاز داشت که در موارد زیر به‌موقع اقدام کند:

- ۱- فرمان‌های خود را به‌سرعت ابلاغ کند.
- ۲- از شورش‌های احتمالی خبردار شود و با آن‌ها مقابله کند.
- ۳- مرزهای کشور را از تجاوز بیگانگان که هر لحظه ممکن بود تهدید شود حفظ کند.
- ۴- حاکمیت خود را در همه وقت اعمال نماید.

به این دلایل، نقش اصلی خبررسانی و خبرگیری به عهده دولت بوده است، این شاه بوده که فرمان‌ها، دستورات و پیام‌های خود را از مرکز به نقاط مختلف کشور تحت قلمرو خود ارسال می‌کرد و نیز از ایالت‌های تابعه کسب خبر می‌نمود و از این طریق بر امور کشور احاطه می‌یافت و حضور و قدرت خود را اعمال می‌کرد. اینجا نقش رسانه در دوره‌های مختلف تاریخ ایران باستان را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۱-۱. بیان هدف و مسئله تحقیق

انسان موجودی اجتماعی است که به‌دور از اجتماع توان زندگی مطلوب را ندارد. اجتماعی بودن انسان ناشی از نیازهای زیستی، اجتماعی و یا طبیعت انسان است. هرکدام از این‌ها یا همه، شالوده زندگی اجتماعی انسان را تشکیل می‌دهند. از آن زمان که انسان پا به عرصه وجود گذاشت پدیده ارتباط با دیگران شکل گرفت. انسان‌ها در زندگی اولیه خود که دوران غارنشینی و بعد کوچ‌زیستی بود نیاز به همکاری با یکدیگر داشتند و لذا ارتباط کلامی که از آن به زبان تعبیر می‌شود شکل می‌گیرد. افراد از طریق کلام، نیازها و خواسته‌های خود را اعلام و تأمین می‌کردند. پس از آن که زندگی یکجانشینی شروع شد و در ادامه شهرها به وجود آمدند پدیده انتقال خبر و ردوبدل کردن پیام‌ها اهمیت بیشتری یافت. اگرچه زبان اولین وسیله ارتباط بود ولی چون پایدار نبود و در گستره شهرها کارآمدی نداشت، بنابراین انسان به کمک عقل، تجربه و نیاز، سعی کرد ارتباطات اجتماعی را از طریق دیگری دنبال کند که پایدار باشد، بدین لحاظ خط را به وجود آورد. خط عامل مهمی در تحول تمدن بشری بود. باید گفت ارتباط، سنگ بنای اولیه تمدن بشری است، هرچه جامعه بشری از سادگی به سوی پیچیدگی رفته است، ارتباطات انسانی نیز اشکال پیچیده‌تری پیدا کرده‌اند.

مبادله پیام‌ها سیر تدریجی از زبان، علائم، خط و دیگر نشانه‌ها را داشته است. علائم ممکن بود «کپه‌های دود، ضربه‌های طبل، نقطه، خط، یا حروف، کلمات یا اعداد قراردادی باشند» (دادگران، ۱۳۸۳: ۳۵) و یا شیء یا حیوان باشد. جایگاه و اهمیت خبر باعث شده است که افسانه‌ها و اسطوره‌های متعددی نیز در این رهگذر ساخته و پرداخته شوند و پیک و قاصدهایی در هیئت فرشته، انسان، ابر یا طوفان از سویی به سویی فرستاده شوند و حامل الهام‌ها و آرزوهای بشر باشند (لباف، ۱۳۶۹: ۴۸). در باور ایرانیان باستان هفت امشاسپند دستیار اهورامزدا و هریک مظهر و پیک‌های او بر روی زمین بودند، هریک از آن‌ها پاسبانی و حفظ بخشی از عالم را به عهده داشتند. همچنین بر اساس شاهنامه، رستم هر بار با

سوزاندن پر سیمرغ خبر مسائل و مشکلات خود را به او می‌رساند. در متن اسطوره‌ای سومری که بخشی از آن بیان می‌شود پیک در نقش فرستاده (فرشته) الهه، انجام‌وظیفه می‌کند: انمرکر^۱ فرمانروای شهر اوروک^۲ تصمیم می‌گیرد شهر ارت^۳ را که دارای شکوه و جلال و ثروت است به تصرف درآورد، لذا به خواهر خویش اینن^۴ الهه نیرومند و حامی شهر اوروک التماس می‌کند که مردم ارت را وادار سازد تا برای او طلا، نقره، سنگ لاجورد و دیگر سنگ‌های گران‌بها بیاورند. اینن قبول می‌کند و پیکی به دربار فرمانروای ارت می‌فرستد:

ای پیک در طول شب... همچون یک...

در طول روز ... همچون یک... برخیز

پیک به سخن پادشاه خویش گوش فرا داد

شب‌هنگام به کمک ستاره‌ها سفر کرد

روز هنگام با اوتوی آسمان سفر کرد (مجیدزاده، ۱۳۷۹: ج ۲/۲۸۴).

این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که رسانه از چه اهمیتی برخوردار بوده و اصولاً در ایران باستان برای انتقال و دریافت پیام از چه روشی یا روش‌هایی استفاده می‌کردند؟ نتیجه پژوهش نشان می‌دهد خبررسانی و خبرگیری بسیار مهم بوده و از این طریق به اعمال قدرت پادشاه، جلوگیری از شورش‌ها، نظارت بر رفتار ایالت‌های تابعه و مقابله با هجوم دشمنان کمک‌های شایانی می‌شده است. و از روش‌های جاسوسی یا مأموران مخفی شاه، چاپارخانه، پیک‌ها، آتش، نقاره، مناره، پرندگان و نقش‌برجسته‌ها به این مهم دست می‌یافتند.

این موارد نشان می‌دهد برقراری ارتباط که امروزه از آن به رسانه تعبیر می‌شود نقش مهم و اساسی در زندگی انسان‌ها داشته و دارد. چراکه رسانه وسیله ارتباطی است که اخبار و

1. Enmerker

2. Uruk (در بین‌النهرین)

3. Aratta

4. Innana

اطلاعات و مسائل مختلف جامعه را میان افراد آن جامعه یا جوامع دیگر پخش می‌کند و آنان را در جریان امور قرار می‌دهد. نگاهی به مدت زمان حکومت هریک از سلسله‌های ایران باستان و قلمرو گسترده آن‌ها، بی‌تردید نقش و اهمیت رسانه‌ها در این دوران را بیان می‌دارد.

۱-۲. پیشینه پژوهش

درباره این موضوع تحقیق مستقلی صورت نگرفته است؛ مطالبی که نوشته شده اختصاص به یک موضوع مثلاً سازمان چشم و گوش شاه دارند از جمله مستانه مؤمنی چلیکی و شهرام جلیلیان، مقاله‌ای با عنوان «شکل‌گیری و کارکردهای سازمان چشم و گوش شاه در دوره هخامنشیان» را نوشته‌اند. در این مقاله وظیفه اصلی این سازمان، آگاه کردن شاه از آنچه در شاهنشاهی پهنور می‌گذشته و نیز زیر نظر گرفتن شهربان‌ها بیان شده است. همچنین در خصوص وجود این دستگاه نوشته‌اند: موضوع در هاله‌ای از ابهام است، چون ردی از وجود آن‌ها در منابع ایرانی موجود نیست. مرتضی احتشام در کتاب «ایران در زمان هخامنشیان» به اختصار به سازمان چشم و گوش شاه پرداخته و می‌نویسد: «اطلاعاتی از چگونگی این دستگاه در عهد هخامنشیان از مورخان یونانی به دست ما رسیده است». یحیی ذکاء مقاله‌ای با عنوان «آیین نقاره‌کوبی در ایران و پیشینه آن» نوشته است. ایشان به پیشینه نقاره زنی (نوبت نوازی) در ایران اشاره کرده و نحوه استفاده این وسیله به‌ویژه در جنگ‌ها را بیان کرده است و سپس به نقش نقاره در ایران عهد اسلامی پرداخته است. مقاله‌ای که به همه مصادیق رسانه پرداخته، مقاله «مروری بر تاریخ رسانه‌ها در ایران» نوشته رجبعلی لباف است (۱۳۶۹: ۴۸-۵۵). ایشان سیر تاریخی هریک از موضوعات رسانه را از گذشته تاکنون به اختصار بررسی کرده است و مطالب خوبی مربوط به رسانه را از منابع گردآوری کرده است. ما در این پژوهش هرگونه اقدام سلسله‌های ایرانی باستان در زمینه خبرگیری و خبررسانی را به تفکیک موضوع و سلسله بیان کرده‌ایم. اطلاعات

هریک از موضوعات به تناسب آنچه از منابع به دست آمده با جامعیت بیشتری تدوین گشته است. تنظیم مطالب به صورتی است که امکان مقایسه هر فعالیت خبری بین سلسله‌ها را فراهم می‌کند.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. جاسوسی یا مأموران مخفی شاه (چشم و گوش شاه)

جاسوسی با استفاده از مأموران مخفی روشی بوده که از دیرباز در میان جوامع رواج داشته، در حکومت‌ها ظاهراً نخستین بار دیاکو این روش را بکار برد، او برای نظارت و کنترل ایالات تابعه دستگاهی را طراحی کرد که هرودت این‌گونه بیان کرده است: «در سراسر قلمرو خود ناظران و خبرچین‌هایی گماشته بود» (هرودت، کتاب یکم، بند ۱۰۰).

در دوره هخامنشی (۵۵۰-۳۳۱ پ.م) ایران گسترده‌ترین قلمرو را در میان حکومت‌های ایران باستان داشت و مرزهای حکومت از ماوراءالنهر در شرق تا دریای مدیترانه در غرب امتداد داشت. اداره این قلمرو گسترده مستلزم نظام اداری، اقتصادی و نظامی خاص بود. بر اساس آنچه گزنفون در کوروش نامه آورده است هرچند کتاب کوروش نامه کتابی تخیلی و ساخته ذهن گزنفون است ولی انعکاس‌دهنده برخی واقعیت‌های زمانه مؤلف بوده که در زمان اردشیر دوم هخامنشی (۴۰۵-۳۵۹ پ.م) می‌زیسته است، کوروش بزرگ (۵۵۰-۵۳۰ ق.م) از چند طریق در جریان امور کشور قرار می‌گرفت و بر امور نظارت می‌کرد از جمله:

از طریق نماینده و جمعی از سپاه همراه او که هر سال به ایالات فرستاده می‌شدند. مردم وقتی برگزیده پادشاه به سرزمین آنان می‌رسید او را پسر پادشاه، یا برادر پادشاه یا بالاخره چشم پادشاه می‌خواندند (گزنفون، ۱۳۸۰: ۲۶۴). سازمان «چشم پادشاه» را کوروش از زمان کودکی دنبال می‌کرد و به گفته هرودت وقتی کوروش در هنگام بازی با کودکان

دیگر به رهبری انتخاب شد، وی یکی را به سمت «چشم پادشاه» برگزید و دیگری را مأمور رساندن پیغام‌های شاهی کرد (هرودت، کتاب یکم، بند ۱۱۴).

کوروش افزون بر اشخاصی که چشم و گوش شاه خوانده می‌شدند، مأموران بسیار دیگری در اطراف واکناف کشور داشت، چون عقیده داشت یک نفر واحد به‌ندرت می‌تواند همه چیز را خوب ببیند و رموز همه کار را به نیکی و بافراست درک کند.

از اقدامات کوروش برای کسب خیر از سپاه دشمن موارد زیر را می‌توان برشمرد:

- فرستادن افرادی در لباس بردگان به اردوی دشمن.
- کسب اطلاعات از اسیرانی که از دشمن می‌گرفتند.
- فرستادن افرادی از نزدیکان و معتمدان شاه به‌عنوان جاسوس به منطقه دشمن (همان، بندهای ۱۷۶ و ۱۸۳-۱۸۲).

سیستم خبرگیری و خبررسانی که کوروش اعمال کرد کم‌وبیش، شاهان دیگر هخامنشی اجرا کردند. نظام سیاسی مستقر به‌وسیله کوروش، ثبات و استحکام خود را تا حد زیادی مرهون همین دستگاه بازرسی و جاسوسی بود، اداره روان و ملایم با ارتباطاتی سریع و مقرراتی دقیق و رسیدگی مستقیم به امور ویژه به‌وسیله خود قدرت مرکزی این ثبات را تضمین می‌کرد (مؤمنی چلکی و جلیلیان، ۱۳۹۴: ۹۵).

داریوش یکم (۵۲۱-۴۸۶ پ.م. ق.م) نیز در امتداد و تکمیل کارهای خبرگیری و خبررسانی کوروش عمل کرد. وی قلمرو را به بیست ایالت تقسیم کرد و هر ایالت را به یک شهربان سپرد (هرودت، کتاب سوم، بند ۸۹) و در کنار او یک فرمانده نظامی و یک دبیر نیز منصوب کرد. اینان در برابر شاه مسئول بودند و مستقیماً با مرکز ارتباط داشتند. افزون بر آن، سالی یک‌بار بازرسانی به نام چشم و گوش شاه برای بررسی اوضاع و گزارش به شاه به ایالت‌ها اعزام می‌شدند؛ آن‌ها کاملاً مستقل بودند و رسیدگی به امور مسئولان را دنبال می‌کردند (یونگ، ۱۳۸۵: ۱۵۳).

نظام خبررسانی و خبرگیری داریوش بر دو محور استوار بود: ۱ - مأموران مخفی شاه ۲ -

پیک‌ها و راه‌ها

وسعت شاهنشاهی هخامنشی افزون بر فرصت‌هایی که در اختیار پادشاهان هخامنشی قرار می‌داد، با تهدیدهایی نیز مواجه بود که می‌توانست حیات آن را به خطر بیندازد. بزرگ‌ترین خطری که در این زمینه وجود داشت، شورش شهرها و جدایی از حکومت مرکزی بود. این خطر زمینه‌های مناسبی داشت؛ از سویی هر یک از شهرها بر قلمروی حکم می‌راندند که پیش از هخامنشیان مملکتی مستقل بود و از سوی دیگر، این ایالات معمولاً از نظر قومی، زبانی و فرهنگی با یکدیگر بسیار متفاوت بودند. داریوش برای جلوگیری از این تهدید، چند سازمان موازی در ایالات تأسیس کرد که هر یک وظیفه جداگانه‌ای بر عهده داشتند. از جمله این سازمان‌ها، دستگاه مأموران مخفی بود که از آنان به «چشم و گوش شاه» یاد می‌شود (مؤمنی چلکی و جلیلیان، ۱۳۹۴: ۹۲) که در زمان کوروش بزرگ بنیان‌گذاری شد، مأموران به صورت مخفی برای بررسی اوضاع و احوال ایالت‌ها از مرکز اعزام می‌شدند. نامی که به متصدیان این امور می‌دادند «سپسک»^۱ یا «سپدک»^۲ بوده که در نزد یونانی‌ها به «افدالموس بازیلیئوس» (چشم پادشاه) مشهور بوده است. از جمله وظایف کارمندان این دستگاه نظارت و مراقبت در کارهای مأموران کشوری و لشکری در سرتاسر شاهنشاهی و تهیه گزارش در مورد رتق و فتق امور جاری و حسن یا سوء جریان کارها برای شاهنشاه ایران بوده است (احتشام، ۱۳۵۵: ۴۷). این بازرسان اختیار تام داشته و می‌بایست همچون شخص شاهنشاه بشنوند و ببینند. از این جهت ایشان را چشم و یا گوش شاه می‌خواندند (شهبازی، ۱۳۵۰: ۱۰۳). یونگ ادعا می‌کند بازرس سالانه را شاه غالباً از میان برادران و پسران خود انتخاب می‌نموده است (یونگ، ۱۳۸۵: ۱۵۲). در این سیستم نظارت و کنترل، نقش سپاهیان و مقابله آن‌ها با شورش‌های احتمالی مهم بود. روش مؤثری که بکار می‌بردند به این ترتیب بود که از سپاهیان درجایی غیر از زادگاهشان استفاده می‌شد. جایگزینی سپاهیان در جاهای دور از زادگاهشان نموداری از شیوه کشورداری هخامنشیان

1. Spasak

2. Spadak

در برابر شورش‌ها و نیز خود عاملی برای ادامه درازمدت شاهنشاهی بود (فرای، ۱۳۸۰: ۱۹۶).

اشکانیان (حکومت ۲۵۰ پ.م-۲۲۴ م.) علیه سلوکیان قیام کرده و به تدریج توانستند سلوکیان را از قلمرو ایران بیرون کنند. «اشکانیان تجربیات دستگاه اداری و دیپلماسی جهان باستان را از دو راه به ارث برده بودند یکی دستگاه اداری ایلامی و هخامنشی و دیگری دستگاه اداری یونانی، سلوکی و بابلی» (معتمد و دیگران، ۱۳۹۸: ۷۲۸). اشکانیان با استفاده از این تجارب سازمان اطلاعاتی و جاسوسی راه‌اندازی کردند که سه هدف مهم را دنبال می‌کرد: ۱- ابتدا در مبارزه علیه سلوکیان و سپس مقابله با رومیان. ۲- نظارت بر جاده ابریشم، جاده ابریشم از جنوب چین آغاز می‌شد و پس از طی هزاران کیلومتر به طرف غرب از ایران می‌گذشت؛ قلمرو اشکانیان همچون پلی بود که این جاده از آن عبور می‌کرد. این جاده از لحاظ نظامی و اقتصادی برای رومی‌ها مهم بود. اشکانیان هم با نظارت بر این جاده درآمدهای هنگفتی از طریق مالیات و عوارض به خزانه خود سرازیر می‌کردند و رومیان را نیز از تجارت راحت از این طریق بازمی‌داشتند. ۳- نظارت بر امور کشور.

نفوذ در سپاه دشمن و ایجاد انحراف در مسیر حرکت از جمله اقدامات اشکانیان گزارش شده است. در جنگ سورنا با کراسوس رومی، این روش صورت گرفت «سردار عربی به نام «آریام» وی مردی زیرک و خائن یکی از بزرگ‌ترین و شوم‌ترین اسباب اضمحلال و شکست کراسوس بود... باری مرد وحشی آن‌قدر کوشید تا منظور خود را به کراسوس قبولاند و او را از سواحل رودخانه دور کرد و به سوی بیابان‌های بی‌انتهای فاقد آب و علف براند» (پلوتارک، ۱۳۴۶: ج ۷۱/۳ و ۷۳). سازمان جاسوسی پارتیان در جنگ‌های با رومیان خوب عمل کرد چنانکه در جنگ سال ۳۶ پ.م که آنتونیوس علیه پارتیان ترتیب داد، فرهاد چهارم پادشاه اشکانی به مدد کارکرد خوب سازمان جاسوسی خود توانست تلفات سنگینی بر سپاه روم وارد کند و آنان را وادار به عقب‌نشینی و قبول شکست نماید (ولسکی، ۱۳۸۴: ۱۶۱-۱۶۲). همچنین در سال ۶۳ م در جنگ بین روم و پارت بر سر مسئله ارمنستان، بلاش از جاسوسان زبده که در خدمت داشت استفاده کرد و رومیان را

شکست داد. یا در سال ۱۱۴ م که ترایانوس امپراتور روم با سپاهی احتمالاً صدهزار نفری به پارت حمله کرد. پارتیان رومیان را قاطعانه تار و مار کردند، عاملی که نقش تعیین کننده در این عملیات داشت، سازمان جاسوسی کارآمد پارتیان بود (ولسکی، ۱۳۸۴: ۱۸۸ و ۲۰۲).

آن‌ها در اداره امور کشور روش خبرگیری را با فرستادن مأمور یا از طریق شهرها انجام می دادند. وجود جاسوسان شاه در شهرها را می توان از موضوع شهر شوش دنبال کرد: به گفته پلوتارک این شهر «دشمن پابرجای پارتیان» بود. باین همه پیکر زرانود شاه پارتی در آنجا برپا بود و هرکسی که به شهر درمی آمد می بایست در برابر آن زمین ادب ببوسد. جاسوسان شاهی (گوش های پادشاه) در شهر به سر می بردند و چون سایه ای نورسیدگان را دنبال می کردند و رفتار آنان را می پاییدند» (بارشاطر، ۱۳۷۷: ۱۱۵).

روش دیگر نظارت اشکانیان بر کشور از طریق شوراهای مختلف از جمله شورای واسپوهران، شهرداران، زمین داران و خوانین بزرگ مالک و والیان و حکام ولایت ها که نمایندگان دولت مرکزی به شمار می آمدند صورت می گرفت. مأموران نامبرده گزارش هایی ارائه کرده و بر اساس آن ها تدابیر لازم برای حفظ امنیت کشور اندیشیده می شد. گاهی شاه شخصاً شهربان را از محل مأموریت برای شنیدن گزارش وی احضار می کرد تا از اوضاع شهرب زیر فرمان او آگاهی یابد (خدادادیان، ۱۳۸۰: ۴۱۸-۴۲۰). ارشک دو خبرگزار نصب کرد، یکی مأموریت داشت که شاه را کتباً از کارهای نیکی که باید انجام دهد، آگاه سازد و دیگری یادآوری کند که انتقام گرفتن را به خاطر داشته باشد و نیز شخص نخستین موظف بود که مواظبت کند مبادا پادشاه در حال غضب فرمانی خارج از عدالت صادر نماید (کریستن سن، ۱۳۶۷: ۳۷). روش دیگر اشکانیان برای ارتباط با مخاطبان یونانی مآبی و احیاء سنت های ایرانی ضرب سکه بود. سکه عملاً تنها رسانه تبلیغاتی در دسترس پادشاهان اشکانی برای رسیدن به اهدافشان بود (نصرالله زاده و گرشاسبی، ۱۳۹۵: ۱۵۶). مثلاً Sotiro، به معنی نجات بخش در سکه های مهرداد دوم گوشه ای از تلاش تبلیغاتی وی بود که خود را ناجی مردم در برابر یورش استپ نشینان طی سال های ۱۲۱-۱۱۹ پ.م

می‌دانست (شکوری و نصرالله‌زاده، ۱۳۹۵: ۳۸). از اسناد مکشوفه در دوراروپوس چنین مستفاد می‌شود که در بعضی از شهرها علاوه بر افرادی که برای اداره امور مالی انتخاب می‌شدند، از میان بزرگان محل نیز اشخاصی به نام ناظر (اپیستات)^۱ تعیین شده تا ضمن نظارت حافظ منافع شاه باشند (بیانی، ۱۳۹۴: ۲۸).

ساسانیان (۲۲۴-۶۵۱م) نیز از شیوه جاسوسی در امر خبرگیری استفاده می‌کردند. بر اساس توقیعات کسری، شغلی به نام «آن‌ها و اخبار» (کریستن‌سن، ۱۳۶۷: ۱۵۶، از اداره اطلاعات یاد می‌کند) وجود داشته است: از انوشیروان پرسیده‌اند موجب امر به نهی و نفی فلان منهی از شغل آن‌ها و اخبار و قرب دربار چیست؟ جواب: «باعث آن است که اسماع ما را به حرف سعایت‌آمیز در تعب استماع انداخت و نیت‌های ما را بر مردم فاسد ساخت...چندان که از تواتر استماع خرافات بی‌حاصل و ترهات باطل در حق دور و نزدیک و بد و نیک، کار، بدان حد کشیده بود که خدا نخواستہ نیت خیر بنیاد ما را دربارهٔ بلاد و عباد از صلاح به فساد بازآورد» (توقیعات کسری مرفوع ۳۹، به نقل از راوندی، ۱۳۴۷: ج ۱/ ۶۹۶). دربند دوازدهم نامه تنسر نیز گماشتن خبرچینان و جاسوسان بیان شده است. تنسر ویژگی‌های جاسوسان و خبرچینان اردشیر (۲۲۴-۲۴۰م) را چنین بیان می‌کند: «جاسوسان و خبرچینان اردشیر «مصلح و مطیع و تقی و امین و عالم دین و زاهد در دنیا» می‌باشند پس آگاهی‌های دروغ و نادرست به پادشاه نخواهند داد. تنسر با اشاره به وصیت اردشیر از زبان او می‌گوید «جهالت پادشاه و بی‌خبر بودن از احوال مردم همچون دری است از فساد»، از این رو پادشاه باید آگاه و بیدار باشد تا آسیبی به شاهنشاهی وارد نشود. اردشیر به سود جستن از جاسوسان و خبرچینان سخت علاقه‌مند بود» (نامهٔ تنسر، ۱۳۵۴: ۷۱-۷۲). به گفته جاحظ در همه جهان هیچ شهریاری همتای اردشیر بابکان نخواهد بود، چراکه او از همه رخدادهای شاهنشاهی خودآگاه بود که آن روز مردمان چه کرده‌اند. او از کارهای کوچک و بزرگ مردم آگاهی داشت و به آن‌ها می‌گفت که شب و روز خود را چگونه گذرانده‌اند. از این رو، مردم عقیده داشتند که شب‌ها فرشته‌ای از آسمان فرود می‌آید و آنچه مردم انجام داده‌اند، برای پادشاه

^۱. Epistat

بازمی‌گوید (جاحظ، ۱۳۴۳: ۱۷۷). عهد/ردشیر نظام جاسوسی را به‌منظور حفظ دولت و گسترش عدالت بیان می‌کند: چون اردشیر نگه‌داری نیروی دولت و گستردن داد را برای خود والاترین آرمان گرفته بود، همواره در به دست آوردن این آرمان بیشتر به جاسوسان تکیه داشت که آنان را نهانی به همه جای کشور گسیل کرده بود (عهد/ردشیر، ۱۳۴۸: ۲۴).

بر اساس عهد/ردشیر هرگاه فرستاده‌ای نزد پادشاهی فرستاده می‌شد، جاسوسی را نیز به دنبال او روانه می‌کردند که حرکات سفیر را زیر نظر داشته باشد بر شاه است که چون فرستاده‌ای نزد پادشاه دیگر فرستاد، دیگری به دنبال او فرستد و اگر دو فرستاده گسیل داشت، دو تن دنبال ایشان گسیل دارد. اگر بتواند کاری کند که دو فرستاده در میان راه باهم فراهم نیایند و یکدیگر را نشناسند تا در سخنی هم‌داستان شوند (عهد/ردشیر، ۱۳۴۸: ۲۴). در انتخاب سفرا نیز دقت زیادی می‌کردند، جاحظ می‌نویسد:

«پادشاه ایران هرگاه قصد می‌کرد از میان رعایای خود سفیری اختیار کند و او را به دربار بعضی از پادشاهان جهان بفرستد او را می‌آموخت، نخست پیامی به او می‌دادند که برای یکی از خواص پادشاهان و کسانی که در سرای شاهی هستند ببرد و با او جاسوسی می‌فرستادند تا حاضر باشد و پیام او را بشنود و سخنانش را بنویسد و چون فرستاده با پاسخ برمی‌گشت جاسوس نیز آنچه را نوشته بود به نظر پادشاه می‌رساند و آن‌وقت گفته فرستاده را با آنچه جاسوس نوشته بود مقابله می‌کرد و چون موافق هم بودند و یا معانی آن‌ها موافق بود شاه به خردمندی و راستی گفتار فرستاده پی می‌برد، سپس او را از طرف خود به سوی دشمنی از دشمنان می‌فرستاد و باز جاسوسی بر او می‌گمارد که سخنانش را از برکند و بنویسد و بعد به نظر شاه برساند و اگر سخن او با تقریر و گزارش جاسوس مطابقت داشت شاه ملتفت می‌شد که فرستاده با دشمن شاه به سود شاه صحبت کرده و خلوص نیت را به کار برده و طوری ننموده که بر دشمنی میان آن‌ها بیفزاید و چون او را چنان دید به او اعتماد می‌نماید و به سفارت به دربار پادشاهان می‌فرستد و از آن‌پس آنچه او گوید برای شاه مورد اعتماد و حجت خواهد بود» (جاحظ، ۱۳۴۳: ۱۷۷-۱۷۸).

پادشاهان ساسانی همچنین مراقب بودند سفرا و فرستادگان بیگانگان موقع ورود به کشور، جاسوسی نکنند. وقتی سفیری وارد کشور می‌شد می‌بایست از راه‌های مخصوصی که برای توقف تعیین شده بود عبور می‌کردند گاهی هیئتی از مرکز برای استقبال و مراقبت و مهمانداری سفیر روانه سرحد می‌شد. کار این اشخاص به‌ظاهر حفاظت و پذیرایی و ادای احترامات بود، ولی در باطن مراقب بودند که سفیر از اوضاع عمومی کشور باخبر نشود و اطلاعاتی که به ضرر کشور باشد کسب نکنند (سامی، ۱۳۸۸: ج ۲/۲۷).

فرستادن جاسوس به داخل سپاه دشمن از روش‌هایی بود که ساسانیان بکار می‌بردند؛ آن‌ها وقتی قلعه‌ای را محاصره می‌کردند برای اطلاع یافتن از وضع محصورشدگان به‌وسیله جاسوسان و متوحش نمودن آنان با نشر اخبار مدهش به‌وسیله مذاکرات ماهرانه روحیه دشمن را ضعیف می‌کردند و اهداف خود را عملی می‌کردند (کریستن‌سن، ۱۳۶۷: ۲۴۳).

۲-۲. پیک‌ها و چاپارخانه‌ها

هخامنشیان نخستین قومی بودند که در ایران چاپارخانه ساختند. چاپارخانه‌ها مکان‌هایی بودند که پیک‌های شاهی در آن به استراحت و تعویض اسب می‌پرداختند. در هر چهار فرسنگ (هر فرسنگ در ایران باستان ۴۴۳۲ گز بود و امروزه قریب شش کیلومتر است) این چاپارخانه‌ها دایر بود و در هریک از این منازل اسبان تندرو وجود داشت که چابک‌سواران نامه‌های دولتی را از مرکز تا نزدیک‌ترین چاپارخانه برده و به چاپاری که آماده بود می‌رساند و او در دم حرکت می‌کرد و نامه را به چاپارخانه بعدی می‌برد. بدین روش چاپارها شب و روز در حرکت بودند و اوامر مرکز را به ایالات می‌رساندند. هرودت می‌گوید: «خشایارشا در ضمن پیامی به شوش یادآور شده که اکنون هیچ جنبنده‌ای نیست که بتواند به‌تندی پیک‌ها راه بپیماید. به شمار روزهایی که برای بریدن هر راهی لازم است مردان و اسبان آماده در راه وجود دارد که فاصله هر پیک تا دیگری یک روز راه است. این کسان را نه برف و نه باران و گرما و تاریکی از کارشان باز نمی‌دارد» (هرودت، کتاب نهم، بند ۹۸). گزنفون نیز درباره سرعت چاپارها می‌گوید: «چاپارها در سرزمین پارس از بازهای شکاری سریع‌تر

حرکت می‌کنند» (گزنفون، ۱۳۸۰: ۲۶۴). ممکن است این گفته اغراق باشد ولی مسلم است که کسی نمی‌تواند به سرعت چاپرها حرکت کند (پیرنیا، ۱۳۹۱: ۱۲۲۰). هرودت چاپارخانه‌های دولتی را «انگاریون»^۱ نامیده است (کتاب هشتم، بند ۹۸)؛ برخی نویسندگان عقیده دارند که این لفظ سامی است که به روم رفته و «آن گاریه»^۲ شده است (مشکور، ۱۳۴۷: ۵۵).

جاده‌ها اهمیت حیاتی در حفظ نظام شاهنشاهی داشت. جاده‌ها در اختیار پیک‌ها و چاپارهای شاهی و خدمات دولتی بودند، بدون این جاده‌ها امکان مهار کردن شاهنشاهی وجود نداشت. جاده‌ها رهبانانی نیز داشت اما راهبانی تنها منحصر به حفظ راه‌ها و نگهبانی از امنیت مالی و جانی استفاده‌کنندگان از آن‌ها نبود، بلکه شاید در درجه نخست مربوط به حراست از منافع سیاسی و نظامی شاهنشاهی و جلوگیری از تحرک‌های نامطلوب می‌شد (رجبی، ۱۳۹۱: ۲۷۰-۲۷۲).

راه‌ها در دوره اشکانیان نیز نقش ارتباطی مهمی داشتند. در ایستگاه‌های منازل راه مانند عهد هخامنشیان، اسبان یدکی مجهز برای نقل و انتقال سریع وجود داشت و برای دایر نگاه‌داشتن آن‌ها مراقبت کامل می‌شد. چنانکه واردان اشک نوزدهم (۴۰-۴۷م) برای عزل برادر خود گودرز با استفاده از همین وسایل ۳۵۰ میل را در عرض دو روز پیمود (پیرنیا، ۱۳۴۴: ۸۲). در سرحدات، گمرک خانه‌هایی را ایجاد کرده بودند که کالاهای ورودی و صادراتی به آنجا وارد می‌شد و در کتابچه‌هایی که مخصوص این کار بود ثبت می‌شد. در شهرهای بزرگ مواظب اشخاص خارجی بودند و اسم آن‌ها را ثبت می‌کردند و دروازه‌بان‌ها در این باب خبر می‌دادند (پیرنیا، ۱۳۴۴: ۲۶۹۷؛ یارشاطر، ۱۳۷۷: ۱۴۰).

چاپارخانه‌ها از ابزارهای مهم ارتباط در عصر ساسانی نیز بودند. چاپارخانه‌ها به کارهای دولتی اختصاص داشت و عمومی نبود. این امر موجب می‌شد که میان مرکز و ولایت‌ها

^۱. (Angareion). واژه angaras را از واژه اکدی egirtu و ایرانی *hangar دانسته اند (فرای، ۱۳۷۳: ۴۲۵).

^۲. Angariae

ارتباط سریع و منظم برقرار شود.^۱ «اداره چاپار مختص کارهای دولت بود و با مردم سروکاری نداشت. اداره چاپار اشیاء و اشخاص و مراسلات را از شاهراه‌های معمور و مهیا حرکت می‌داد و به همین جهت در منازل بین راه به نسبت اهمیت آن‌ها عده‌ای ملازم و اسب نگاه می‌داشت. گویا در آن زمان قاصد سوار و شاطر پیاده وجود داشته است» (کریستن‌سن، ۱۳۶۷: ۱۵۰).

انسان خود یک رسانه بوده و نقش خبررسانی یا خبرگیری داشته است. در زمره خبررسانان می‌توان پیک‌ها^۲ قاصدها، اسکدرها^۳، ایلچی‌ها و شاطرها را نام برد و در شمار خبردهان، جاسوسان، منهبیان، سخن‌چینان و مشرفان بودند، صاحبان برید و چاپار هر دو، نقش دوگانه را داشته‌اند (لباف، ۱۳۶۹: ۵۲).

ظاهراً سابقه پیک بیش از دیگر رسانه‌هاست، زیرا واژه‌هایی مثل پیک خورشید خبر از دیرینه می‌دهد. در قلمرو اساطیر، افسانه‌های فراوانی است که پیک‌ها واسطه فرستادن پیام‌های نویدبخش و هشداردهنده بین بازیگران آن افسانه‌ها هستند و یا خبری و موهبتی را از جهانی به جهان دیگر می‌برند از جمله: ویونگهان^۴ پدر جمشید برای آدمیان آتش را تهیه کرد؛ وی به‌وسیله پیک خود ماتریشون^۵ آتش^۶ را از جهان دیگر برای آنان فرستاد تا رابطه نزدیک‌تری میان آدمیان و خدایان برقرار کند. ماتریشون پیک ویوسونت، از دور اگنی ویشواتره را همراه آورد. مردمان اگنی^۶ پیک تیزرو ویوسونت را که بر همه آدمیان

^۱ اسبی که متعلق به چاپار سوار پادشاهی بود بیسپانینگ (Bayaspānig) یا اسب چاپار گفته می‌شد (متون پهلوی، ۱۳۷۱: ۳۵، بند ۱۰۲).

^۲ پیک در پهلوی ساسانی payg به معنی پیک، پیاده نظام (مکنزی، ۱۳۷۳: ۱۲۳). قاصد، آنکه نامه از جایی به جایی برد.

^۳ As-Kodar پیک سوار پیک پیاده، As-Gozar برید و پیکی که منزل به منزل فرود آید واسب خود را عوض کند (فرهنگ معین).

^۴ .vivasvant (ویوسونت)

^۵ .Mātarišvan

^۶ .Agni (اگنی)

فرمانروایی دارد همچون فانوسی که در هر خانه‌ای به روشنی می‌درخشد پذیرفتند (کریستن سن، ۱۳۶۸: ۲۸۶).

پیک‌های شاهی هخامنشی سوارکاران ماهر و آزموده‌ای بودند که از چگونگی جاده‌ها و کاروانسراها، آب‌انبارها و ایستگاه‌های تدارکاتی اطلاع داشتند. آنان مسیر جاده شاهی را که به طول ۲۶۰۰ کیلومتر بود، طی یک هفته می‌پیمودند، در حالی که مسافران عادی ۹۰ روز آن را می‌پیمودند (هرودت، کتاب پنجم، بندهای ۵۲-۵۳). همچنین در سرعت پیک‌های شاهی می‌نویسد: در میان موجودات زنده جهان هیچ موجودی تندروتر از این پیک‌های شاهی نیست (هرودت، کتاب هشتم، بند ۹۸).

الواح به‌جای‌مانده از دوره هخامنشیان اطلاعات خوبی درباره پیک‌ها می‌دهند. در لوحه‌ها چگونگی بازرسی این نمایندگان شاه که در لوحه «پیک» نامیده شده‌اند بیان شده است: یکی از گماشتگان به نام بل زرابنی^۱ به نبوموکین زر^۲ می‌نویسد: هر ماه بازرس (پیک) شاهی می‌آید و مقام‌ها را بازرسی می‌کند. هیچ‌کس هرگز سرکار خود نیست. مأموران پرستشگاه آمده‌اند که علت را بدانند و چون پیک هنوز به شاه گزارش نداده مردی را که گاو و گوسفند به او سپرده شده بود و سرکار خود نبود به زنجیر کرده و آنجا بفرستند (احتشام، ۱۳۵۵: ۴۸).

از دیگر روش‌های خبرگیری فرستادن سفیر بود. چنان‌که کمبوجیه (۵۳۰-۵۲۲ پ.م) پس از تسخیر مصر قصد تصرف حبشه را کرد و چون از اوضاع حبشه اطلاعاتی در دست نداشت به قول هرودت سفیری بدان مملکت فرستاد، به‌عنوان اینکه هدایایی برای پادشاه می‌برند و در نهان دستور داد تحقیقاتی درباره اوضاع و احوال مردم حبشه و نیروها و سازمان‌های آنجا بنمایند (هرودت، کتاب سوم، بند ۱۸).

^۱ . Bel-zera-bni

^۲ . Nabu-mukin-zer

در دوره ساسانیان پیک‌ها به صورت پیاده یا سواره امور محوله را اجرا می‌کردند. پیادگان که بعدها شاطر^۱ نامیده شدند پیام‌های ولایات ایران‌نشین را انتقال می‌دادند و چاپارها امور ایالت‌های عرب‌نشین و بیابانی را انجام می‌دادند. در مناطق کوهستانی، چاپار پیاده و در کویرها چاپار شترسوار معمول بود (کریستن‌سن، ۱۳۶۷: ۱۵۰، مشکور، ۱۳۴۷: ۵۹).

۲-۳. آتش

امروزه برکنار راه‌های کهنی که از کنار دشت‌ها می‌گذشته‌اند تپه‌های خاکی بلندی مشاهده می‌کنیم. این تپه‌ها که عمداً با انباشتن خاک ایجاد شده‌اند به تپه‌های تلگرافی معروف‌اند و صرفاً جهت برافروختن آتش و رساندن اخبار مهم از شهری به شهر دیگر ایجاد شده بودند. بر روی این تپه‌ها همیشه قراولانی بودند که چون در دوردست بر روی تپه‌ای شعله آتش می‌دیدند که به صورت علامت خاصی به حرکت درمی‌آمد، آن‌ها نیز مشعل فروزان خود را با همان علامت برای قراولان بعدی حرکت می‌دادند. به این طریق علائمی که مفهوم خاص داشتند در مدت کوتاهی از شهری به شهر دیگر مخابره می‌شد (لبّاف، ۱۳۶۹: ۴۹). در برخی از مسیرها به جای تپه‌ها، برج‌های بلندی می‌ساختند که هم نقش راهنمای مسافران را داشتند و هم برای خبررسانی با آتش مورد استفاده قرار می‌گرفتند. از برخی از این برج‌ها به نام برج‌های خبررسانی یاد کرده‌اند (لبّاف، ۱۳۶۹: ۵۰). برافروختن آتش و برآوردن دود بر بلندی‌ها (برج‌ها) در وضعیت‌های اضطراری مانند بلاهای طبیعی، آتش‌سوزی و شورش‌ها و یا حمله‌های ناگهانی بیگانگان استفاده می‌شد (رجبی، ۱۳۹۱: ۲۷۵).

^۱ شاطر به عربی به معنی چُست و چالاک است. اینان رکاب‌دار فرمانداران یا وظیفه پیک پیغام‌بر داشتند. در دوره صفویان به آنان شاطر می‌گفتند.

از زمان ورود آریایی‌ها به ایران از آتش برای خبررسانی استفاده می‌شده است. آریایی‌ها به هر جا وارد می‌شدند، پس از جنگ با بومی‌ها قلعه‌ای بنا می‌کردند. درون قلعه را به دو قسمت تقسیم کرده، قسمتی را به سکونت خانواده‌ها تخصیص می‌دادند و قسمت دیگر را به حَشم. در این محوطه شب‌ها آتشی با دو مقصود روشن می‌کردند: نخست برای اینکه خانواده‌ها از آن سهمی برند و دیگر از این جهت اگر بومی‌ها شبیخون زدند پاسبانان، آتش را تیزتر کنند تا مردان قلعه برای جنگ بیرون آمده دشمن را از اطراف قلعه برانند (پیرنیا و اقبال آشتیانی، ۱۳۸۹: ۲۶). بی‌شک نتایج به‌دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی قلعه و آتشگاه نوشیجان واقع در بیست کیلومتری غرب ملایر، یکی از مهم‌ترین اسناد تاریخی و باستان‌شناسی، بیانگر اهمیت سنت تقدیس آتش در دوره مادها است (Stronach, 1969: 15-17) و در عصر هخامنشیان به اعتقاد مهرداد بهار، یکی از مهم‌ترین دلایل پیوند با دین زردشتی، تقدس آتش بود (بهار، ۱۳۸۰: ۴۹) و بویس از آتشدان‌های سنگی در کنار پادشاهان هخامنشی گزارش می‌دهد (بویس، ۱۳۸۱: ۷۸) و گیرشمن نیز گزارشی از تقدس آتش در نقش برجسته کاخ خزانه ارائه می‌دهد (گیرشمن، ۱۳۷۱: ۲۳۰) در نقش برجسته‌ها و گور دخمه‌های هخامنشیان نیز احترام و تقدس آتش مشهود است (بویس، ۱۳۸۱: ۸۶) در فرش پازیریک که یکی از نفیس‌ترین آثار باقی‌مانده از عصر هخامنشیان است به‌خوبی بیانگر جایگاه ویژه و مقدس آتش در فرهنگ ایران عصر هخامنشی است (بویس، ۱۳۸۱: ۳۶۲) آتش در نزد هخامنشیان گذشته از کارکردهای مذهبی، نظامی، خانوادگی، یکی از مهم‌ترین کارکردهای آن پیام‌رسانی بود. با روشن کردن آتش بر روی بلندی‌ها پیام‌های خود را می‌فرستادند آن‌ها «خبرهای مهم را به‌وسیله شعله آتشی که بر فراز کوه‌ها می‌افروختند، و یا دود آن، با استفاده از بازتاب آئینه‌های کوچک، با سرعت بسیار به مرکز می‌فرستادند» (شهبازی، ۱۳۵۰: ۱۰۴). در این باره هرودت می‌نویسد: «مردونیوس درصدد تسخیر مجدد آتن بود تا بتواند خبر پیروزی خود و فتح آتن را با علامت آتش از جزیره به شاه در سارد اطلاع دهد» (هرودت، کتاب نهم، بند ۳). روشن کردن آتش بر روی تپه‌ها یک روش مرسوم خبررسانی بوده است. امروزه برکنار راه‌های کهن تپه‌هایی را

مشاهده می‌کنیم که از آن‌ها برای روشن کردن آتش و رساندن خبر استفاده می‌شده است. این طریق خبررسانی به تپه‌های «تلگرافی» معروف است (رجبی، ۱۳۹۱: ۲۷۵). روش دیگر برای اطلاع‌رسانی استفاده از انسان‌ها و گماردن اشخاص در بالای کوه‌ها و ارتفاعات به فاصله‌های نزدیک بود. این اشخاص مأموریت داشتند خبرهای مهم و فوری را با صدای بلند به یکدیگر برسانند (احمدی، ۱۳۴۵: ۲۴).

۲-۴. نقاره

نقاره‌زنی که به نوبت‌نوازی نیز معروف است، سابقه دیرینه دارد. برخی پیشینه آن را به دوران اساطیری و زمان جمشید پیشدادی رسانده‌اند. چون نواختن طبل و تبیره و کوس و دمیده کرنای و بوق و کوبیدن دهل روزانه در چند نوبت انجام می‌گرفت از این‌رو از سده دوم هجری قمری به این‌سو، این آئین را نوبت و نوبت‌زدن و نوبت‌نوازی و نوبت‌نواختن می‌گفتند و نوازندگان و اجراکنندگان آن را، نوبت‌زن، نوبتی، نوبتیان، نوبت‌نواز رئیس آنان را نوبتی‌دار و جای نواختن آنان را نوبت‌خانه و نوبت‌گاه و سازهای آنان را اسباب نوبت و آلات نوبت‌زدن نامیده‌اند و گاه از راه اطلاق کل به جزء خود طبل یا دهل یا دنبلك را نیز نوبت و اسب و شترانی که افزارهای نوبتیان را با خود می‌کشیدند، اسب نوبت، شتر نوبت. گفته‌اند (بخشی، ۱۳۷۱: ۲۸) کریستن‌سن نیز می‌نویسد که مردم ایران در جنگ‌ها بالای به‌وسیله بوق و شیپور محصوران را از حمله دشمن آگاه می‌کنند. (کریستن‌سن، ۱۳۶۷: ۳۰۳) نظامی گنجوی در همین ارتباط گفته است:

چار بالش نهاده چون جمشید پنج نوبت رسانده بر خورشید (نظامی گنجوی، ۱۳۸۱:

ج ۶۷۰/۱).

اسباب نوبت‌نوازی عبارت بودند از کرنا، کوس، دهل، سُرنا، نفیر، سنج، گورگه، دامامه، نی، ناقوس، شیپور. در ایران باستان به مناسبت‌هایی گاه اسباب نوبت‌نوازی را به‌تنهایی می‌نواختند. از جمله: کوس و کرنا و دهل خبر از وقوع جنگ و آماده‌باش سپاهیان می‌داد

و شیپور به نشانه حرکت و عزیمت لشکر به صدا درمی‌آمد. گزنفون می‌گوید: «کورس برای حرکت سپاه دستور داد که صدای شیپور نشانه عزیمت خواهد بود و همین که صدای شیپور بلند شد باید همه سربازان آماده باشند و حرکت کنند» (گزنفون، ۱۳۸۰: ۱۴۵). در کاوش‌های تخت جمشید، در بالای آرامگاه اردشیر سوم پادشاه هخامنشی کرنای بلندی به دست آمده که اکنون در موزه تخت جمشید نگهداری می‌شود و نوشته‌های تاریخ نویسان کهن را استوار می‌دارد (شهبازی، ۱۳۸۴: ۱۳۵).

روش دیگری که برای آگاهی دادن بکار برده می‌شد جارچی بود. جارچی زیر نظر شهربان انجام وظیفه می‌کرد (داندامایف، ۱۳۶۶: ۱۱).

در دوره اشکانیان از ابزار و آلات موسیقی برای فرستادن خبر استفاده می‌کردند. استفاده از فانوس‌های دریایی، روشن کردن آتش بر روی تپه‌ها از دیگر روش‌های خبررسانی در این دوره بود (لباف، ۱۳۶۹: ۵۰). در جنگ سورنا با کراسوس، یکی از روش‌هایی که پارت‌ها برای ایجاد ترس در دشمن بکار بردند استفاده از طبل‌های بزرگ بود. پلوتارک این موضوع را چنین نوشته است: «پارت‌ها طبل‌های عظیم داشتند که در گرد آن زنگوله‌هایی بسته بودند تا از چند محل صدا کند مجموعه این صداها مانند غرش حیوانات سبع یا رعدوبرق، بسیار وحشت‌آور بود و از مسافتات بعید گوش را ناراحت می‌کرد و روح را تهییج می‌نمود و مرد سپاهی را از حالت عادی خارج می‌ساخت» (پلوتارک، ۱۳۴۶: ج ۳/۷۵).

ساسانیان از نوبت نوازی (نقاره) و زدن کوس و کرنا و شیپور برای خبررسانی استفاده می‌کردند. بر روی یک جام نقره‌ای متعلق به دوره ساسانی، دژی به تصویر درآمده که هفت تن در درون آن ایستاده کرنای می‌نوازند و خبر از فتح دژ می‌دهند (لباف، ۱۳۶۹: ۵۰). در این مورد یحیی ذکاء چنین نوشته است: «کنده‌کاری روی یک جام سیمین ساسانی که گرد فروگرفتن دژ استواری را - که چه بسا دژ «آمد» باشد نشان می‌دهد - در روی این جام در درون دژ گرد فروگرفته شده، هفت کرنازن، بر دژ ایستاده، یک دست خود را به کمر زده، با دست دیگر لوله کرنای بلندی را رو به بالا گرفته، می‌نوازند. در سنگ‌نگاره‌های طاق‌بستان در کرمانشاهان که یک مجلس شکار جرگه را نشان می‌دهد، در یک گوشه نیمه‌کاره‌ای از شکارگاه در

رده یکم دو تن کرنازن و یک‌تن دهل‌زن ایستاده‌اند که دهل دورویه‌ای را از گردن آویخته با دست آن را می‌نوازند و کرنازن‌ها نیز همچون کرنازن‌های جام سیمین ساسانی، دست چپ خود را به کمر زده با دست راست، به حالت کشیده، کرناهای بلندی را گرفته مشغول نواختن‌اند، در رده پشت سر آنان سه تن دیگر دست‌به‌سینه ایستاده‌اند که کار آنان در این میان روشن نیست و شاید آوازهایی متناسب با دهل و کرنا از دهان بیرون می‌آورده‌اند. در رده سوم، سه تن دیگر به حالت نشسته نشان داده شده‌اند که طبل و بوق و نقاره می‌نوازند» (ذکاء، ۱۳۵۶: ۳۳).

۲-۵. مناره

از قدیمی‌ترین مناره‌ها در ایران میل نورآباد معروف به میل اژدها متعلق به دوره اشکانیان است که در غرب نورآباد ممسنی قرار دارد. این میل دارای حدود هفت متر بلندی بوده و قاعده و تمام بدنه آن با سنگ‌های سفید تراش منظم داده شده است. بر بالای آن یک آتشدان سنگی جای داشته است (واندنبرگ، ۱۳۳۷: ۲۷). در خصوص مناره، عوفی از مناره زمان اسکندر چنین وصف می‌کند: «از عجایب ساختمان‌های جهان باستان مناره اسکندریه بوده که ذوالقرنین آن را بنا کرده، بر روی آن آئین چنین نهاده و طلسمی در آن ساخته که هرچه روی دریا ظاهر شود از یک‌ماهه راه کم‌وبیش جمله در آیینه پیدا باشد» (عوفی، ۱۳۵۰: ۱۰۱). در دوره ساسانیان مناره نیز وسیله اطلاع‌رسانی بوده است. مناره به‌جای مانده در مرکز شهر باستانی فیروزآباد که به‌صورت چهارضلعی ساخته‌شده دال بر این مدعا است (مصطفوی، ۱۳۴۳: ۱۰۱).

در خلیج فارس برای راهنمایی کشتی‌ها و جلوگیری از راهزنان و دزدان دریایی، برج‌هایی می‌ساختند که مسعودی از آن‌ها به «خشبات»^۱ یاد کرده است (مسعودی، ۱۳۷۰: ج ۱/۱۰۷). در خلیج فارس ستون‌های تزئین شده‌ای احداث کرده شب‌ها روی آن مشعل

^۱ مناره‌های بحری/دریایی

می‌افروزند تا کسانی که بر عرشه کشتی سفر می‌نمایند، راه خود را گم نکنند (حسن، ۱۳۷۱: ۱۷۰).

۲-۶. پرندگان

سابقه استفاده از کبوتران برای خبرگیری به واقعه معروف طوفان نوح برمی‌گردد. چهل روز پس از آنکه کشتی نوح بر قله کوه آرات قرار گرفت «نوح پنجره کشتی را گشود و کلاغی رها کرد، ولی کلاغ به داخل کشتی بازنگشت. پس از آن کبوتری رها کرد تا ببیند آیا کبوتر می‌تواند زمین خشکی برای نشستن پیدا کند اما کبوتر جایی را نیافت. نوح هفت روز دیگر صبر کرد و بار دیگر همان کبوتر را رها نمود. این بار هنگام غروب آفتاب، کبوتر درحالی‌که برگ زیتون تازه‌ای به منقار داشت نزد نوح بازگشت. پس نوح فهمید که در بیشتر نقاط آب فرونشسته است» (کتاب مقدس، سفر پیدایش، ۱۳۷۴: ۷). مقدسی آوردن برگی توسط کبوتر را چنین نوشته است: «شاخه‌ای بریده آورد که گل‌ولای بر آن بود و چون آن نشانه‌ها را دریافتند برای کبوتر طوقی ساختند به گونه گردنبندها» (مقدسی، ۱۳۷۴: ۴۲۶).

به گفته پروکوبیوس محاصره‌شدگان ایرانی قلعه پترا، با ارتش ایران به‌وسیله کبوتران قاصد ارتباط داشته‌اند و اخبار پیروزی یونانیان قدیم را کبوتران به شهرهای مختلف می‌رساندند (پروکوبیوس، ۱۳۹۲: ۲۱۹).

«در کشتی‌های دریا پیمای ایرانیان کبوتران زیادی نگهداری می‌شوند، این کبوتران می‌توانند چند هزار لی پرواز کنند و اگر رها شوند، با یک پرواز مستقیم به موطن خود رفته و بدین‌سان چون پیکری خوش‌خبر عمل می‌کنند» (حسن، ۱۳۷۱: ۱۶۹).

۲-۷. نقش برجسته‌ها

نقش‌برجسته‌ها یا نگارکننده‌ها یک اثر هنری هستند که در یک حجم بسته و محدود اجرا می‌شوند و در آن اشیا به‌صورت برآمده از سطح و یا کنده‌کاری نمایش داده می‌شوند. نقش

برجسته‌هایی که از دوران ایران باستان به‌جای مانده بر روی دیواره صخره‌ها، دیواره‌های بزرگ و سنگ‌ها اجرا شده‌اند. تصاویری که روی صخره‌ها حجاری می‌شد و کتیبه‌هایی که نگاشته می‌شد خود بیانگر پیام بود. پیام‌های این برجسته‌کاری‌ها را می‌توان در چند مورد بیان کرد: ۱- خودنمایی سلطنتی ۲- برگزیده خدا ۳- سوارکار ماهر ۴- ابدی و جاودانه ساختن پیروزی‌ها (رک: ویسهوفر، ۱۳۸۶: ۲۰۲-۲۰۴). یکی از مهم‌ترین و معروف‌ترین این کتیبه‌ها و نقش‌برجسته‌ها مربوط بیستون است که به دستور داریوش هخامنشی ایجاد گردید و دستور داد از روی آن چند کپی نوشته شود و به ایالات مختلف فرستاده و برای همگان خوانده شود که همه مردم از آن مطلع باشند.

۳. نتیجه‌گیری

با توجه به سؤال اصلی پژوهش مبنی بر اینکه رسانه از چه اهمیتی برخوردار بوده و اصولاً در ایران باستان برای انتقال و دریافت پیام از چه روشی یا روش‌هایی استفاده می‌کردند، می‌توان این‌طور نتیجه گرفت که خبررسانی و خبرگیری بسیار مهم بوده و از این طریق به اعمال قدرت پادشاه، جلوگیری از شورش‌ها، نظارت بر رفتار ایالت‌های تابعه و مقابله با هجوم دشمنان کمک‌های شایانی می‌شده است. و از روش‌های جاسوسی یا مأموران مخفی شاه، چاپارخانه، پیک‌ها، آتش، نقاره، مناره، پرندگان و نقش‌برجسته‌ها به این مهم دست می‌یافتند.

در نظام پادشاهی ایران باستان، شاه که نماینده زمینی اهورامزدا است، مرکزیت دارد و اخبار و اطلاعات از طرف او به ایالت‌های تابعه و بالعکس منتقل می‌شد. مردم در این میان نقشی ندارند و تابعی از نظام شاهی و تصمیمات او هستند؛ یعنی رسانه جنبه دولتی دارد و این خواسته و اوامر پادشاه است که در چرخ کشور ردوبدل می‌شود. محتوای اخباری هم که ردوبدل می‌شد جنبه سیاسی، نظامی و قضایی داشت و مربوط به حکومت بود و از اهمیت بسیار بالایی برای حکومت‌ها برخوردار بود. پیام ممکن بود نوشتاری و یا غیر

نوشتاری باشد و گیرنده پیام فرمانروایان و مسئولان ایالت‌ها بودند. برخی از این عوامل خبری مانند آتش و صوت جنبه راهنمایی مسیر یا امنیتی داشتند که در حفظ مرزها و یا نزدیک شدن دشمن به مرزها به کار می‌رفت.

در این سیستم خبری انسان نقش مهم‌تری داشت. پیک‌ها و قاصدان کار خبررسانی را انجام می‌دادند و می‌بایست راست‌گو، پاک‌نیت و توانا می‌بودند. جاسوسان، سخن‌چینان و منهبان کار خبرگیری و خبردهی را دنبال می‌کردند. خبررسانی و خبرگیری، از لحاظ کارکردی، بقای پادشاه و حفظ اقتدار حکومتی را دنبال می‌کرد و روشی برای نظارت و کنترل قلمرو شاهنشاهی با آن‌همه گستردگی و تنوع قومی و قبیله‌ای و جلوگیری از هرگونه تهدید و یا شورش آن‌ها و همچنین مقابله با تهدیدهای کشورهای بیگانه بود. به نظر می‌رسد با توجه به وسعت قلمرو حکومت هخامنشیان و کتیبه‌ها و نقش‌برجسته‌های این دوره از جمله بیستون نظام خبرگیری و خبررسانی از نظم و گستردگی بیشتری برخوردار بود.

کتابنامه

- احتشام، مرتضی (۱۳۵۵). *ایران در زمان هخامنشیان*، ج دوم. تهران: کتاب‌های جیبی.
- احمدی، اشرف (۱۳۴۵). *قانون و دادگستری در شاهنشاهی ایران باستان*، تهران: اشراقی.
- ازکمپ، استوارت (۱۳۶۹). *روان‌شناسی اجتماعی کاربردی*، ترجمه فرهاد ماهر، مشهد: آستان قدس رضوی.
- باکینگهام، دیوید (۱۳۸۹). *آموزش رسانه‌ای، یادگیری، سواد رسانه‌ای و فرهنگ معاصر*، ترجمه حسین سرافراز، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- بخشی، محمدرضا (۱۳۷۱). «نقاره و نقاره‌نوازی»، *ماهنامه زائر، ویژه‌نامه قدس*، صص ۲۸-۳۰.
- بویس، مری (۱۳۸۱). *زردشتیان، باورها و آداب دینی آن‌ها*. ترجمه عسگر بهرامی. تهران: ققنوس
- بهار، مهرداد (۱۳۸۰). *ادیان آسیایی*. تهران: چشمه
- بیانی، ملک‌زاده (۱۳۹۴). *تاریخ سکه*. ج دوم. تهران: دانشگاه تهران.

۱۲۰ پژوهش‌نامه فرهنگ و زبان‌های باستانی، سال دوم شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰

- پروکوبیوس (۱۳۹۲). کتاب جنگ‌های پارسیان، ایران و روم. ترجمه محمد سعیدی. تهران: علمی و فرهنگی.
- پلوتارک (۱۳۴۶). حیات مردان نامی. ج ۳. ترجمه رضا مشایخی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- پیرنیا (مشیرالدوله)، حسن (۱۳۴۴). ایران باستان. کتاب دوم و نهم. تهران: کتابخانه ابن‌سینا.
- پیرنیا (مشیرالدوله)، حسن (۱۳۹۱). ایران باستان. ج ۲. تهران: نگاه.
- پیرنیا، حسن؛ اقبال آشتیانی، عباس (۱۳۸۹). تاریخ ایران قبل از اسلام و بعد از اسلام. تهران: پارسی.
- جاحظ، ابوعثمان عمرو بن بحر (۱۳۴۳). تاج، آیین کشورداری در ایران و اسلام. تهران: کتابخانه ابن‌سینا.
- حسن، هادی (۱۳۷۱). سرگذشت کشتی‌رانی ایرانیان از دیرباز تا قرن شانزدهم میلادی. ترجمه امید اقتداری. تهران: به‌نشر.
- خدادادیان، اردشیر (۱۳۸۰). تاریخ ایران باستان، اشکانیان، تهران: انتشارات به‌دید.
- دادگران، سید محمد (۱۳۸۳). مبانی ارتباط جمعی. تهران: فیروزه.
- داندامایف، م.ا. (۱۳۶۶). تاریخ سیاسی و اقتصادی هخامنشیان. ترجمه میرکمال نبی‌پور. تهران: گستره.
- ذکاء، یحیی (۱۳۵۶) «آیین تقاره کوبی در ایران و پیشینه آن» مجله هنر و مردم، دوره ۱۵، ش ۱۸۰، صص ۲۹-۴۹.
- راوندی، مرتضی (۱۳۴۷). تاریخ اجتماعی ایران. ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- رجبی، پرویز (۱۳۹۱). تاریخ ایران: ایلامی‌ها و آریایی‌ها تا پایان دوره هخامنشی. تهران: پیام نور.
- سامی، علی (۱۳۸۸). تمدن ساسانی، ج دوم، تهران: سمت.
- شکوری، ملیحه؛ نصرالله زاده، سیروس (۱۳۹۵). «پیگیری سنت‌های ایرانی در سکه‌های اشکانی». جستارهای تاریخی، سال هفتم، شماره اول، صص ۲۱-۴۵.
- شهبازی، ع. شاپور (۱۳۵۰). جهاننداری داریوش بزرگ. تهران: دانشگاه پهلوی.
- شهبازی، ع. شاپور، (۱۳۸۴). راهنمای مستند تخت‌جمشید. به کوشش بنیاد پژوهشی پارسه - پاسارگاد. تهران: انتشارات سفیران و فرهنگسرای میردشتی

نقش رسانه در ایران باستان ۱۲۱

- عوفی، سدیدالدین محمد (۱۳۵۰). *جوامع الحکایات*. به کوشش جعفر شعار. تهران: دانشسرای عالی.
- عهد/اردشیر (۱۳۴۸). پژوهنده احسان عباسی. برگرداننده به فارسی محمدعلی امام شوشتری. تهران: انجمن آثار ملی.
- فرای، ریچارد نلسون (۱۳۷۳). *میراث باستانی ایران*. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: علمی و فرهنگی.
- فرای، ریچارد نلسون (۱۳۸۰). *تاریخ باستانی ایران*. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: علمی و فرهنگی.
- فرهنگ معین.
- کتاب مقدس (۱۳۷۴). عهد عتیق و عهد جدید. بی‌تا.
- کریستن‌سن، آرتور (۱۳۶۷). *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه رشید یاسمی. تهران: امیرکبیر.
- کریستن‌سن، آرتور (۱۳۶۸). *نخستین انسان و نخستین شهریار*. ترجمه و تحقیق احمد تفضلی و ژاله آموزگار. تهران: نشر نو.
- گزنفون (۱۳۸۰). *سیروپدی (کوروش نامه)*. ترجمه‌رضا مشایخی. تهران: علمی و فرهنگی.
- گیرشمن، رومن، (۱۳۷۱). *هنر ایران در دوره ماد و هخامنشیان*. ترجمه عیسی بهنام. تهران: علمی و فرهنگی
- لباف، رجبعلی (۱۳۶۹). «مروری بر تاریخ رسانه‌ها در ایران»، *رسانه*، شماره ۳، صص ۴۸-۵۵.
- متون پهلوی (۱۳۷۱). گردآورنده جاماسب‌جی دستور منوچهرجی جاماسب آسانا، گزارش سعید عریان، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۹). *تاریخ و تمدن بین‌النهرین*. ج ۲. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۷۰). *مروج الذهب*. ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج اول، تهران: علمی و فرهنگی.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۴۷). *تاریخ اجتماعی ایران در عهد باستان*. تهران: دانشسرای عالی.
- مصطفوی، محمدتقی (۱۳۴۳). *اقلیم پارس*. تهران: انجمن آثار ملی.

معمد، افسانه و دیگران (۱۳۹۸). «دستگاه اطلاعاتی و جاسوسی ایران در گستره جغرافیای سیاسی اشکانیان» فصلنامه علمی - پژوهشی نگارشی نو در جغرافیای انسانی، سال دوازدهم، شماره اول، زمستان، صص ۷۳۸-۷۲۵.

مقدسی، مطهر بن طاهر (۱۳۷۴). آفرینش و تاریخ. مجلد اول تا سوم. ترجمه، تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگه.

مکنزی، دیوید نیل (۱۳۷۳). فرهنگ کوچک زبان پهلوی، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

مؤمنی چلکی، مستانه؛ جلیلیان، شهرام (۱۳۹۴). «شکل‌گیری و کارکردهای سازمان چشم و گوش شاه در دوره هخامنشیان» فصلنامه جندی‌شاپور، سال یکم، شماره ۱، دانشگاه شهید چمران اهواز، صص ۹۱-۱۰۷.

نامه تنسر به گشنسب (۱۳۵۴). تصحیح مجتبی مینوی، تهران: خوارزمی.

نصرالله‌زاده، سیروس؛ گرشاسبی، اشکان (۱۳۹۵) «القاب و عناوین پادشاهان اشکانی بر روی سکه‌ها»، دوفصلنامه علمی پژوهشی تاریخ نگری و تاریخ‌نگاری. سال بیست و ششم، دوره جدید، شماره ۱۸، پیاپی ۱۰۳، صص ۱۶۰-۱۳۷.

نظامی گنجوی (۱۳۸۱). کلیات نظامی، ج ۱، تصحیح وحید دستگردی، تهران: نگاه.

واندنبرگ، لوئی (۱۳۳۷). باستان‌شناسی ایران باستان. ترجمه عیسی بهنام. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

ولسکی، یوزف (۱۳۸۴). شاهنشاهی اشکانیان. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: ققنوس.

ویسهوفر، یوزف (۱۳۸۶). ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: ققنوس.

هرودت (۱۳۹۵). تاریخ هرودت. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. ج اول و دوم. تهران: اساطیر.

یارشاطر، احسان (۱۳۷۷). تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان. (جلد سوم - قسمت دوم)، ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.

یونگ، پیتر یولیوس (۱۳۸۵). پادشاه پارسی داریوش یکم. ترجمه داود منشی‌زاده. تهران: ثالث.

Stronach, David (1969). "Excavation at Tepe Nosh-i-jan 1967", *Iran*, Vol. 7, pp. 1-20.

The role of media in ancient Iran

Hosein Mohammadi*
Sahmeddin Khazaei**

Abstract:

In today's world, the media has a very wide role in conveying messages and social communication. Studies in ancient Iran show that the transmission of messages through humans, birds, symbols and signs (Fire, Minaret, Naqara, sculpture and etc.) It has been. in the governments of ancient Iran, due to the constant conflict with foreigners, especially the Parthian and Sasanian conflicts with the Romans, the spy and intelligence apparatus played a more effective role. But in general, the news and information system in the early days of the Achaemenid rule was wider and more organized than the Parthian and Sasanian dynasties and became the basis for subsequent dynasties. Now the question is whether the media was important in ancient Iran. What media were used in transmitting and receiving the message, was there a change in the transmission of the message, in which dynasties of ancient Iran was news and information more diverse? The results of the research show that informing and receiving news was important because it helped to exercise the king's power, prevent riots, monitor the behavior of the dependent states and counter the invasion of enemies. The resources available in the libraries have been used to do the work, and the research methodology is narrative in nature.

Keywords: Media, Ancient Iran, Achaemenid, Parthian, Sasanian.

* Assistant Professor, Department of History, Kharazmi University, Tehran, Iran
(corresponding author). h.mohammadi@khu.ac.ir

** Assistant Professor, Department of History, Lorestan University, Lorestan, Iran.
khazaei.s@lu.ac.ir

